

حریم خصوصی در فرهنگ اسلام: مرور مبانی فلسفی، قلمروها و پویایی های معاصر

وابستگی سازمانی

نویسندگان

دانشجوی دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران	علی آقاجانی
استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران	محمد علی حیدری*
استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران	محسن فهیم

چکیده

اطلاعات مقاله

حریم خصوصی به عنوان یکی از حقوق بنیادین فردی و اجتماعی، در دنیای امروز و با گسترش فناوری های نوین، اهمیتی دوچندان یافته است. این پژوهش با هدف بررسی عمیق مبانی فلسفی، تعیین قلمروها و تحلیل پویایی های معاصر مرتبط با حریم خصوصی صورت گرفته است. این امر شامل شناسایی مبانی فلسفی و دینی آن، مشخص کردن ابعاد و قلمروهای مادی و معنوی حریم خصوصی و همچنین بررسی و ارائه ی راهکارهای اسلامی برای عصر کنونی مانند نقض حریم در عصر دیجیتال، روابط صمیمی و تعارض آن با برخی احکام شرعی است. این پژوهش با اتخاذ روش تحلیلی توصیفی انجام شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که اسلام با تأکید بر کرامت ذاتی انسان، حرمت آبرو و منع تجسس، چارچوب جامعی برای حمایت از حریم خصوصی ارائه می دهد. قلمرو حریم خصوصی در اسلام به دو بخش مادی (مانند مسکن، بدن و اموال) و معنوی (مانند اسرار شخصی، اطلاعات و حیثیت فردی و اجتماعی) تقسیم می شود. چالش های معاصر، نظیر نظارت دولتی و جمع آوری بی رویه ی داده ها در فضای دیجیتال، نیازمند بازخوانی مبانی اسلامی با رویکردی پویا است. اسلام با ظرفیت های استنباطی خود قادر به ارائه راهکارهای متناسب با نیازهای عصر حاضر است. این پژوهش پیشنهاد می کند با تلفیق مبانی اسلامی و مطالعات تطبیقی، الگوهای بومی برای سیاست گذاری در حوزه حریم خصوصی طراحی شود.	نوع مقاله پژوهشی
	صفحه ۷۶ - ۶۲
	دوره ۲، شماره ۳ (شماره پنجم پیاپی)

اطلاعات نویسنده مسئول

محمد علی حیدری	نویسنده مسئول
۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۸۲۱-۹۶۸۴	کد ارکید
۰۹۱۳۱۲۵۷۴۳۹	تلفن
mal.heidari@yahoo.com	ایمیل

سابقه مقاله

۱۴۰۴/۰۵/۱۰	تاریخ دریافت
۱۴۰۴/۰۵/۱۸	تاریخ ویرایش
۱۴۰۴/۰۵/۲۲	تاریخ پذیرش
۱۴۰۴/۰۷/۰۱	تاریخ انتشار
توصیفی تحلیلی	روش پژوهش

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، فرهنگ، اسلام، فقه و حقوق اسلامی، پویایی معاصر

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

آقاجانی، علی؛ حیدری، محمد علی؛ فهیم، محسن (۱۴۰۴)، «حریم خصوصی در فرهنگ اسلام: مرور مبانی فلسفی، قلمروها و پویایی های معاصر»، فصلنامه علمی مطالعات میان رشته ای حقوق و تربیت اسلامی، دوره ۲، شماره ۳، (شماره پنجم پیاپی)، صفحات ۶۲ - ۷۶	نحوه استناد دهی
--	--------------------

Privacy in Islamic Culture: A Review of Philosophical Foundations, Domains, and Contemporary Dynamics

Authors		Organizational Affiliation
Ali Aghajani	PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran	
Mohammad Ali Heydari*	Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran	
Mohsen Fahim	Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran	
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>Privacy, as one of the fundamental individual and social rights, has gained increasing significance in today's world with the rapid expansion of modern technologies. This study aims to provide an in-depth examination of the philosophical foundations, define the domains, and analyze the contemporary dynamics related to privacy. It explores the philosophical and religious bases of privacy, identifies its material and spiritual dimensions, and examines Islamic approaches to modern challenges such as digital-age privacy violations, intimate relationships, and their potential conflicts with certain religious rulings. Employing a descriptive-analytical method, the research findings indicate that Islam, by emphasizing human dignity, the sanctity of reputation, and the prohibition of intrusion, offers a comprehensive framework for the protection of privacy. In Islamic thought, the scope of privacy is divided into material aspects (such as housing, bodily integrity, and property) and spiritual aspects (such as personal secrets, information, and individual and social reputation). Contemporary challenges necessitate a dynamic reinterpretation of Islamic principles. With its interpretive capacities, Islam is capable of providing solutions suited to the needs of the modern era. The study suggests that integrating Islamic foundations with comparative research can lead to the development of indigenous models for policymaking in the field of privacy.</p>
Pages	62 - 76	
Volume 2, Issue 3		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Mohammad Ali Heydari	
ORCID	0000-0003-3821-9684	
Tell	09131257439	
Email	ma1.heidari@yahoo.com	
Article History		
Received	2025/08/01	
Revised	2025/08/09	
Accepted	2025/08/13	
Published Online	2025/09/23	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Privacy, Culture, Islam, Islamic Jurisprudence & Law, Contemporary Dynamics</i>
Description		
<p><i>All rights to this article belong to the authors.</i></p> <p><i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i></p>		
How to Cite This Article	<p>Aghajani, Ali; Heydari, Mohammad Ali; Fahim, Mohsen (1404), "Privacy in Islamic Culture: A Review of Philosophical Foundations, Realms, and Contemporary Dynamics", Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Islamic Law and Education, Volume 2, Issue 3, (fifth consecutive issue), pages 62-76</p>	

۱: مقدمه

حریم خصوصی به عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق فردی و اجتماعی، در عصر حاضر با چالش‌ها و پرسش‌های متعددی روبه‌رو شده است. با گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و دیجیتال، مرزهای سنتی حریم خصوصی دگرگون شده و ضرورت بازخوانی مبانی فلسفی و حقوقی آن در بسترهای مختلف فرهنگی و دینی بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، اسلام به عنوان یک نظام جامع حقوقی و اخلاقی، با تکیه بر منابع اصیل خود، می‌تواند چارچوبی منسجم برای فهم و تنظیم حریم خصوصی ارائه دهد. اگرچه عبارت «حریم خصوصی» به شکل مصطلح امروزی در متون دینی اسلام به کار نرفته، اما مفاهیمی همچون حرمت تجسس، غیبت، افشای راز، اشاعه ی فحشا، بیان عیوب دیگران، سخن چینی، نگاه به نوشته ی دیگران بدون اجازه، نگاه و ورود به داخل منزل اشخاص بدون رضایت و ممنوعیت تفتیش، استراق سمع و بصر و ممنوعیت ورود به اتاق خصوصی بدون مجوز نشان‌دهنده ی توجه عمیق این دین به حفظ کرامت و استقلال فردی است. از سوی دیگر، در غرب نیز تعریف یکپارچه‌ای از حریم خصوصی وجود ندارد و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح شده است. برخی همچون (بیترس، ۱۹۶۴: ۲۵) حریم خصوصی را به مثابه حق تنهایی و مصونیت از تعرض دیگران می‌دانند، در حالی که برخی دیگر آن را در چارچوب حقوقی و با تأکید بر حمایت از اطلاعات شخصی تعریف می‌کنند. با این حال، به نظر می‌رسد هیچ یک از این تعاریف به تنهایی نمی‌تواند تمام ابعاد حریم خصوصی را پوشش دهد، چراکه این مفهوم علاوه بر جنبه‌های حقوقی، دارای ابعاد فلسفی، فرهنگی و اخلاقی نیز هست. پژوهش حاضر با هدف بررسی مبانی فلسفی حریم خصوصی در فرهنگ اسلامی، تبیین قلمروهای آن در فقه و حقوق اسلام، و همچنین تحلیل چالش‌های معاصر در این زمینه تدوین شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا می‌توان از منظری اسلامی تعریفی جامع از حریم خصوصی ارائه داد و چگونه می‌توان در عصر حاضر، با حفظ اصول اسلامی، به پویایی‌های فرهنگی در این حوزه پرداخت. در این راستا، با روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع مختلف، به ارائه‌ی تصویری روشن از جایگاه حریم خصوصی در اسلام و نسبت آن با مفاهیم مدرن پرداخته شده است.

۲: حریم خصوصی؛ از تنهایی تا کنترل اطلاعات

با تحولات اجتماعی و گرایش فزاینده جوامع به فردگرایی مدرن، انسان محوری و گسترش آزادی‌های فردی، انتظارات افراد از جامعه برای حفظ حریم خصوصی به طور چشمگیری افزایش یافته است، به گونه ای که امروزه انسان‌ها نسبت به قلمرو شخصی خود حساسیت ویژه‌ای نشان می‌دهند. از همین رو، «حریم خصوصی» از موضوعاتی است که در سال‌های اخیر مورد توجه اکثر افراد و جوامع قرار گرفته است. در کتاب و سنت اسلامی نیز نمی‌توان به صراحت نشانی از این عبارت یافت. روش اسلام در این خصوص به صورت تحویل‌گرایانه است. اکنون نیز در حوزه ی جهانی تعریفی واحد و مشخص از این عبارت وجود ندارد. با این حال، در تعریفی منسجم از حریم خصوصی می‌توان چنین گفت: «محدوده ای از اطلاعات افراد جامعه است که از نگاه عرف و یا با اعلام فرد، انتظار می‌رود که از هرگونه دسترسی و تعرض دیگران مصون بماند و هرگونه دخالت اشخاص و دولت‌ها در آن محدوده از زندگی افراد ممنوع و غیرمشروع است» (مجاهد، ۱۳۹۱: ۷). به عنوان یکی از پژوهشگران این حوزه، نقض حریم خصوصی را به عنوان یک اقدام توهین‌آمیز نسبت به شرافت، حیثیت و تمامیت بشری قلمداد می‌کند. به گفته ی او: «انسانی که مجبور است تا تمام دقایق زندگی اش را در میان دیگران بگذارد و تمامی نیازها، افکار، آرزوها، تمایلات یا خشنودی او تابع نظر عموم باشد، محروم از فردیت خویش و تمامیت بشری است. چنین فردی با توده ی مردم ادغام شده و نظرات او هرگز از نظرات عموم متمایز نمی‌شود، خواسته های او شناخته شده بوده و همیشه به موضوعات مورد قبول عموم متمایل است. احساسات او از آنجا که آشکارا ابراز نمی‌شود، فاقد کیفیت صمیمت شخصی بوده و همسو با احساسات تمام انسان‌ها می‌باشد، چنین موجودی گرچه ذی‌شعور و مدرک است، ولی موجود مثلی بوده و فرد به شمار نمی‌رود». این موضوع بدان معنا است که فردی که نسبت به قلمرو شخصی خود آگاهی نداشته یا برای آن ارزشی قائل نباشد، به عنوان عضوی مستقل در جامعه هویت شناخته شده ای نخواهد داشت و دستاوردهای فردی او نیز نادیده گرفته می‌شود. (بیترس، ۱۹۶۴: ۲۵) حریم خصوصی نیز به عنوان «حق داشتن تنهایی» تعریف می‌شود؛ اما این تعریف نیز بسیار ساده است (انصاری، ۱۳۹۸: ۱۲). این توصیف نیز

فهیم، حیدری و آقاجانے (۶۲-۷۶)

دقیق و واضح نیست و تقریباً شامل همه‌ی شکایت‌های قابل تصور و طرح اشخاص می‌شود، حال آنکه بسیاری از مصادیق حق تنها مانند مردم به عنوان نقض حریم خصوصی قابل پذیرش نیست، ملزم ساختن مردم به پرداخت مالیات یا به حضور در ارتش یا مجازات آنها به هنگام ارتکاب جرم نمونه‌های بارزی از مصادیق مذکور هستند. وستین تأکید می‌کند که در یک جامعه‌ی آزاد و تابع استثنائات فوق‌العاده در راستای منافع عموم، اختیار تصمیم‌گیری نسبت به اینکه چه زمانی و تحت چه شرایطی اطلاعات شخصی برای عموم مردم قابل افشا است باید موقوف به نظر افراد باشد و می‌گوید حریم خصوصی را باید به این صورت تعریف کرد که: «حق افراد، گروه‌ها یا مؤسسات نسبت به اینکه برای خویشتن تعیین کنند چه زمانی، چگونه و تا چه اندازه‌ی اطلاعات مربوط به آنها به دیگران قابل مخابره باشد». (وستین، ۱۹۶۷: ۱۶۰) در مورد رابطه با اجتماع، حریم خصوصی عبارت است از عدول ارادی و موقتی یک شخص از عموم جامعه با استفاده از وسایل فیزیکی یا روانی، خواه با قرار دادن خود در یک وضعیت تنهایی و انزوا و خواه در یک گروه کوچک صمیمانه و خواه در حالت ناشناس ماندن یا خویشتن داری و تحفظ به هنگامی که در مقابل یک گروه بزرگتری قرار می‌گیرند (فروغی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۷).

۳: مبانی فلسفی حریم خصوصی در اسلام

با آنکه واژه‌ی «حریم خصوصی» در زبان محاوره و نیز در مباحث فلسفی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی، مکرر استفاده می‌شود، ولی هنوز تعریف یا تحلیل واحدی از این اصطلاح ارائه نشده است. مفهوم حریم خصوصی ریشه‌های عمیقی در مباحث انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی و میزان ارزش آن در فرهنگ‌های مختلف دارد. به طور کلی، «حریم خصوصی» یک مفهوم سیال است که معانی مختلفی از جمله آزادی اندیشه، کنترل بر جسم خود، کنترل بر اطلاعات راجع به خود، آزادی از نظارت‌های دیگران، خلوت و تنهایی، حمایت از حیثیت و اعتبار و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها را شامل می‌شود (انصاری، ۱۳۹۸: ۲۴). دشواری تعریف حریم خصوصی و تعیین چارچوب ماهوی و صوری آن سبب شده است که برخی نظریه پردازان، هویت مستقلی برای آن قائل نشده و حمایت از آنچه را که به حریم خصوصی موسوم شده به دیگر حقوق تثبیت شده، ارجاع دهند. از همین رو، امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت استقلالی حریم خصوصی وجود دارد (واعظی و علیپور، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

- برخی علما با یک نگاه شکاکانه و انتقادی حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. مهمترین ادعای این افراد آن است که حقی نسبت به حریم خصوصی وجود ندارد و حریم خصوصی پدیده‌ی تازه‌ای نیست و مطلب خاصی هم نمی‌گوید؛ زیرا هر نفعی را که به عنوان نفع حاصل از حریم خصوصی مورد حمایت واقع شده است می‌توان در قالب نفع‌ها یا حقوق دیگر مورد حمایت قرار داد؛ مثلاً حق مالکیت و یا حق بر امنیت جسمی. از طرفداران این گروه در قالب «تحویل‌گرایان» یاد می‌شود.
 - در مقابل، بسیاری از نظریه‌پردازان بر این باورند که حریم خصوصی فی‌نفسه یک مفهوم با ارزش و بامعنا است. مناقشه‌های فلسفی ایشان درباره‌ی تعریف حریم خصوصی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم برجسته شده و عمیقاً از تحولاتی که در عرصه‌ی حمایت حقوقی و قانونی از حریم خصوصی صورت گرفته متأثر شده است. برخی برای دفاع از حریم خصوصی، بر کنترل اطلاعات راجع به افراد تأکید کرده‌اند، برخی دیگر مفهوم حریم خصوصی را موسع در نظر گرفته و از آن به عنوان دفاع از کرامت انسانی حمایت می‌کنند، برخی آن را برای حفظ صمیمیت، ضروری دانسته‌اند. سایر مفسرین به این دلیل از حریم خصوصی دفاع کرده‌اند که آن را برای شکوفایی روابط گوناگون بین اشخاص ضروری می‌بینند یا آن را به عنوان معیاری دانسته‌اند که به انسان توانایی می‌بخشد تا دسترسی دیگران به خود را کنترل کند و یا آن را نه تنها به عنوان وسیله‌ی کنترل دسترسی دیگران بلکه وسیله‌ی تعالی بیان و افکار شخصی دانسته‌اند و سرانجام آن که برخی مؤلفان از ترکیب تعاریف مذکور برای تصریح مفهوم استفاده کرده‌اند.
- به طور کلی، تمام این تعاریف را می‌توان در شش دسته‌ی جامع تقسیم بندی کرد: حق داشتن تنهایی، محرمانگی، دسترسی محدود دیگران، کنترل بر اطلاعات شخصی، پنهان ساختن برخی امور از دیگران، حمایت از شخصیت و کرامت انسانی، حق صمیمیت و نزدیکی (انصاری، ۱۳۹۸: ۲۱).

۴: فلسفه حریم خصوصی از دیدگاه فقهای اسلام

در این بخش از پژوهش، مبانی فلسفی حریم خصوصی از منظر فقهای اسلام بررسی می‌شود؛ از جمله تحلیل جایگاه کرامت انسانی، حرمت تجسس و اصل احترام به شخصیت فردی در اندیشه فقهی. همچنین به این پرداخته می‌شود که چگونه اصول فقهی مانند لاضرر، سلطنت بر نفس و اموال، و حرمت هتک حرمت، چارچوب نظری حریم خصوصی را در فقه اسلامی شکل می‌دهند.

۴-۱: اصل کرامت ذاتی بشر

اصل کرامت ذاتی بشر یکی از بنیادی‌ترین مبانی انسان‌شناختی در اندیشه اسلامی و به‌ویژه در سنت فکری امامیه است. علامه محمدتقی جعفری در تحلیل مفهوم کرامت، میان دو نوع کرامت تمایز قائل می‌شود: نخست، کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که به‌مثابه موهبتی الهی، شامل همه‌ی انسان‌هاست و هیچ فردی صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، دین، موقعیت اجتماعی یا سطح معنویت از آن محروم نیست؛ مگر آنکه شخص با اختیار خود و از طریق ارتکاب جنایت، خیانت یا سقوط اخلاقی، این حیثیت را مخدوش سازد. این نوع کرامت، ریشه در آفرینش انسان دارد و خداوند آن را به همه‌ی افراد انسانی عطا کرده است. دوم، کرامت ارزشی که برخاسته از فعلیت‌بخشی به استعدادهای درونی، بهره‌گیری از قوای مثبت، و تلاش آگاهانه در مسیر رشد، کمال و خیرات است. این کرامت، ماهیتی اکتسابی دارد و ارزش نهایی و غایی انسان در گرو تحقق آن است (احمدی، ۱۳۹۵: ۲۰). در منابع امامیه، منشأ اعتبار کرامت ذاتی به‌روشنی در آیه‌ی ۷۰ سوره‌ی اسرا بیان شده است؛ آیه‌ای که با تعبیر «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» کرامت را به‌صورت عام و فراگیر برای همه‌ی فرزندان آدم اثبات می‌کند. این آیه نه تنها بر شرافت وجودی انسان دلالت دارد، بلکه نشان می‌دهد که کرامت ذاتی، امری غیرقابل سلب از سوی دیگران است و هیچ قدرت یا ساختاری حق ندارد این حیثیت را نادیده بگیرد یا نقض کند. در سنت علوی نیز رعایت کرامت ذاتی بشر، حتی در مواجهه با مجرمان و دشمنان، امری لازم و واجب شمرده شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۴۷، بر ضرورت حفظ حرمت انسان تأکید می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که کرامت ذاتی، به‌عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی، فراتر از رفتار فرد و مستقل از ارزش‌گذاری‌های اجتماعی است و باید در همه‌ی شرایط مورد احترام قرار گیرد. بر این اساس، اصل کرامت ذاتی بشر در اندیشه اسلامی، بنیانی برای بسیاری از حقوق انسانی، از جمله حق حریم خصوصی، حق امنیت، حق آزادی و حق برخورداری از رفتار انسانی در همه‌ی سطوح اجتماعی و حکومتی فراهم می‌آورد. این اصل، نقطه‌ی عزیمت مهمی برای فهم جایگاه انسان در نظام حقوقی و اخلاقی اسلام است و در تحلیل‌های معاصر درباره‌ی حقوق بشر اسلامی، جایگاهی محوری دارد. (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۷)

۴-۲: اصل حرمت، احترام عرض و آبرو

در نظام اخلاقی و حقوقی اسلام، عرض به معنای آبرو، حیثیت و شرافت انسانی، جایگاهی بنیادین دارد و هرگونه تعرض به آن از شدیدترین محرمات اخلاقی و اجتماعی به‌شمار می‌آید. آموزه‌های اسلامی، چه در قرآن و چه در سنت نبوی و روایات اهل‌بیت (ع)، بر ضرورت صیانت از آبرو و منع هرگونه هتک حرمت تأکید کرده‌اند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که در بسیاری از منابع روایی، حفظ آبرو در کنار حفظ جان و مال انسان قرار گرفته و تعرض به آن از بزرگ‌ترین گناهان دانسته شده است. در اغلب کتب اخلاقی و روایی، بحث از لزوم پاسداشت عرض و آبروی مسلمانان به‌عنوان یکی از حقوق اساسی انسان مطرح شده است. احترام به شخصیت و حیثیت انسان، چنان جایگاهی دارد که هرگونه اقدام به مخدوش‌سازی آبرو، چه از طریق گفتار و چه رفتار، از شدیدترین عقوبت‌ها برخوردار است. بیان عیوب واقعی افراد بدون رضایت آنان، افزون بر آنکه مصداق روشن غیبت است، نوعی هتک حرمت و تخریب جایگاه اجتماعی فرد نیز محسوب می‌شود. از سوی دیگر، نسبت دادن امری که در شخص وجود ندارد، مشمول عنوان تهمت بوده و از گناهان کبیره به‌شمار می‌رود. اسلام پیروان خود را به‌شدت از هرگونه رفتار یا گفتاری که موجب آبروریزی، تحقیر یا تخریب شخصیت دیگران شود، نهی کرده است. این ممنوعیت تنها به حوزه گفتار محدود نمی‌شود، بلکه هرگونه نقض حریم خصوصی افراد—اعم از تجسس، افشای اسرار، انتشار اطلاعات شخصی یا ورود بدون اجازه به قلمرو خصوصی دیگران—نیز به‌منزله تعرض به عرض و آبرو تلقی می‌شود. از این منظر، نقض حریم خصوصی در هر شکل و قالبی، مصداق بارز آبروریزی و هتک حرمت انسان است و در

تعالیم اسلامی به شدت نكوهش شده است (موسی زاده و مصطفی زاده، ۱۳۹۲: ۶۷). بر این اساس، مفهوم عرض در اسلام تنها یک امر اخلاقی فردی نیست، بلکه بنیانی حقوقی و اجتماعی دارد که بر حفظ کرامت انسان، سلامت روابط اجتماعی و امنیت روانی جامعه استوار است. صیانت از آبرو، نه تنها وظیفه‌ای فردی، بلکه تکلیفی اجتماعی و دینی است که رعایت آن برای حفظ انسجام و اعتماد عمومی ضروری است.

۴-۳: اصل لزوم کتمان سر

اصل دیگری که در تعالیم اسلامی مرتبط با موضوع حریم خصوصی وجود دارد، اصل لزوم کتمان سر است. در روایات شیعه تأکید بسیاری بر رعایت رازداری شده است. یکی از علاقه مندی های انسان حفظ پنهانی های خود است که این پنهانی ها حریم خصوصی او تلقی می شود. به عنوان مثال، خداوند در سوره ی نور آیه ی ۱۲، ۲۷ و در آیه ی ۳۰ آن بر این موضوع تأکید کرده است. قاعده ی لاضرر برای حمایت از حریم خصوصی بسیار مورد استناد قرار گرفته شده است. این قاعده از حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» اتخاذ شده است که طبق آن هر گونه خسران مادی و معنوی به خود و دیگری ممنوع خواهد بود (جاور، ۱۳۹۸: ۱۰۹). از پژوهش در منابع شرع اسلام بر می آید که حمایت از حریم خصوصی اعتقادات، محل زندگی، اموال، مراسلات و ارتباطات افراد از همان ابتدای ظهور اسلام وجود داشته و ۱۴ قرن است که در قالب های متفاوت از سوی اسلام تشریح گشته است. در حالی که حمایت جدی از این حق در جهان غرب، حتی در زبان تحویل گرایان سنت جهان غرب، نهایتاً ۴ قرن است که مطرح شده و پیش از آن سخنی از این حق در میان آنان مطرح نبوده است. در آیات قرآن و سنت ائمه (علیهم السلام) هیچگاه اصطلاح «حریم خصوصی» مشخصاً به کار نرفته است؛ همانطور که در سایر آیین ها مثل یهود و مسیحیت نیز از این عبارت به تصریح یاد نشده است. ماهیت و محتوای حریم خصوصی در شریعت اسلام، تحت تعبیری از حقوق و آزادی های دیگر مثل حق مالکیت، حق در پناه اصل برائت بودن، حق مصونیت از تجسس و تفتیش، حق مصونیت حقوق وابسته به شخصیت افراد، ممنوعیت آشکارسازی اسرار، حق انتخاب دین و اعتقاد، حرمت غیبت، ممنوعیت استراق سمع و ممنوعیت اشاعه ی فحشا مورد حمایت قرار گرفته است. برای نمونه، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره ی نور رعایت حرمت مسکن افراد را واجب شمرده و برای ورود به منازل افراد، اذن آنها را برای دیگران لازم دانسته است. این آیات، خانه و بیت را به عنوان مصادیق بارز از حریم خصوصی افراد مدنظر داشته است (ساریخانی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸۱). از لحاظ اخلاقی نیز تعدی به حریم خصوصی انسان ها گناه بوده و دارای مجازات اخروی در نظام اخلاقی اسلام است. امام خمینی (ره) در بند ششم فرمان هشت ماده ای فرموده اند که «مانند اشاعه ی فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است». در نگاه فقهی که احکام اسلام مشمول پنج نوع حکم حرمت، وجوب، مستحب، کراهت و اباحه قرار می گیرد، تعدی به حریم خصوصی افراد «حرام» بوده و در اصطلاح فقه جزایی و از منظر حقوقی، جرم محسوب می گردد. امام خمینی (ره) در فرمان مذکور می فرمایند: «مرتکبان هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی و بعضی از آنان مستوجب حد شرعی هستند» (مهریزی، ۱۳۷۸: ۱۲)؛ البته علاوه بر تأکید فقه بر رعایت حریم خصوصی و موارد مذکور آن در متون دینی، حریم خصوصی یکی از موضوعاتی است که در موضوعات اخلاقی به شدت به آن پرداخته شده و بر رعایت موارد آن تأکید فراوان گردیده است. نکته ی مهم آن است که آیات و روایات اسلامی مربوط به حریم خصوصی حمایت خود را بیشتر از موضع تکلیف گرایانه تشریح کرده اند؛ نه از موضع وضعی و حق محور. به همین علت شایسته است که مسئولیت ناقضین حریم خصوصی را در احکام تکلیفی جست و جو نماییم؛ درحالی که در زمره ی احکام وضعی به شمار می آید؛ البته که این مسأله محل ایراد نیست که آیات و روایات اسلامی وجهه ی اخلاق گرایانه و مذهبی دارند و نه جنبه ی حقوقی تا برای تحمیل مسئولیت نقض کنندگان حق مذکور بتوان به آن استناد نمود (انصاری، ۱۳۸۲: ۲۱۴). همچنین، آیه ی ۱۲ سوره ی حجرات و ۵۸ سوره ی نور تأکیدی بر آیات قبلی است. سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه ی اطهار (ع) و سیره ی مسلمانان نیز سرشار از توصیه هایی در پرهیز از نقض مصادیق مختلف حریم خصوصی است؛ البته اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی استعمال نشده است؛ زیرا موضع اسلام در مواجهه با مقوله ی حریم خصوصی یک موضع به اصطلاح «تحویل گرایانه» است؛ یعنی از ماهیت و محتوای حریم خصوصی حمایت شده است بدون آنکه نامی از آن برده شود. پژوهش در منابع حقوق اسلام نشان می دهد که قدمت حمایت از حریم خصوصی

فهمیم، حیدری و آقاجانے (۶۲ - ۷۶)

در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام های حقوقی است. حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی بیش از ۱۴۰۰ سال پیش مورد تأکید اسلام قرار گرفته است. در حالی که نخستین جرقه های حمایت جدی از حریم خصوصی حتی در مواضع تحویل گرایان در غرب به قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی گردد (انصاری، ۱۳۹۸: ۱۲). رایج ترین اصطلاحاتی که در آیات و روایات اسلامی درباره ی حریم خصوصی به کار رفته اند عبارت است از؛ تجسس و تحسس و تفتیش، سوءظن، سب و هجو قذف، نمیمه و غیبت، تنافس، خیانت در امانت، اشاعه ی فحشاء، استراق سمع، استراق بصر و ورود به منزل غیر بدون استیذان. به عنوان مثال، از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که؛ هر کس در حق مؤمنی، امر قبیحی را که خود دیده یا شنیده باشد بگوید، آن شخص مشمول این آیه ی مبارکه است که: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْمُونَ»؛ یعنی: «به راستی کسانی که دوست می دارند که امر قبیح و ناشایست طایفه ای که ایمان آورده اند، فاش شود برای ایشان عذابی دردناک است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۵۶۴). در عقاب این اعمال از رسول اکرم (ص) حدیثی نقل شده است که فرمود: «کسی که به دنبال عیب برادرش و کشف سر او به راه افتد، اول قدمی که بردارد در جهنم گذارد و خداوند سر او را در بین خلائق کشف کند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۳۰۴). از حضرت امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که رسول اکرم (ص) فرموده اند: «ای گروهی که به زبان اسلام آورده اید و ایمان به قلب شما وارد نشده، مسلمانان را مذمت نکنید و زشتی های پنهان ایشان را جستجو نکنید؛ زیرا کسی که اسرار ایشان را جستجو کند، خداوند راز او را جستجو می کند و کسی که خدا جستجوی راز او نماید، او را مفتضح کند، اگرچه در خانه اش باشد» (همان: ۳۰۶). در حدیث دیگری از پیغمبر (ص) آمده است: «اولین مرتبه ی کفر آن است که شخص از برادر خود کلمه ای را بشنود و آن را حفظ کند و بخواهد که او را به واسطه ی آن کلمه مفتضح کند، برای چنین اشخاصی نصیب و بهره ای نیست» (همان: ۳۰۹). در جایی دیگر پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «مَنْ تَسَمَّعَ حَدِيثَ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ، صَبَّ فِي أُذُنَيْهِ الْأَنْكَبُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ «هر کس به مکالمات دیگران درحالی که آنها مایل نیستند، گوش دهد روز قیامت در گوش وی سرب گذاخته ریخته می شود». حکمی که پیامبر (ص) در قضیه سمره بن جندب صادر کرده است از مهمترین نمونه های تاریخی است که بر ممنوعیت ورود بدون اذن به خانه های مردم دلالت می کند. سمره بن جندب در خانه ی یکی از انصار یک نخل داشت که برای سرکشی به آن، بدون اذن صاحب خانه وارد منزل وی می شد که در نهایت، پیامبر اسلام (ص) برای جلوگیری از ورود بدون اذن و اجازه به منزل انصاری فرمودند که «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ». بنابراین، به مرد انصاری اعلام کردند که «برو درخت را بکن و در مقابل وی بینداز» (انصاری، ۱۳۸۲: ۲۰).

۵: قلمروهای حریم خصوصی در فقه اسلامی

مفهوم و قلمرو حریم خصوصی را می توان با فرهنگ حاکم بر آن جامعه و نوع حکومت حاکم بر یک جامعه مرتبط دانست و از این نظر بر اینکه فرهنگ حاکم بر یک جامعه ی مذهبی یا غیرمذهبی و نظام حاکم بر یک جامعه، یک نظام سیاسی استبدادی و توتالیتر یا دموکراتیک باشد، مفهوم قلمرو حریم خصوصی می تواند موسع یا مضیق باشد، اما اگر بخواهیم قلمروهای حریم خصوصی را بنا بر مبانی فکری دسته بندی کنیم بدیهی است که هرگز نمی توانیم به یک دسته بندی واحد که با همه ی این مبانی فکری همخوانی داشته باشد، دست یابیم.

۵-۱: حریم خصوصی مادی

خصوصیت بارز حریم خصوصی مادی در ضمانت اجرایی و دریافت خسارت از نقض حریم خصوصی توسط صاحب حق است. به عبارتی در قانون ایران و سایر کشورها برای نقض حریم خصوصی مادی افراد قوانینی وضع شده که صاحب حق حریم خصوصی مستقیماً و بر اساس این قوانین احقاق حق می کند. مثل جایی که حریم ملک شخص هتک شود، مورد بهره برداری قرار گیرد و یا تلف شود، اما نکته ی قابل توجه در حریم خصوصی مادی این است که در موارد زیادی نقض این نوع از حریم خصوصی، علاوه بر جنبه های مادی، جنبه های معنوی را هم در بر می گیرد، مثل جایی که شخص حریم ملک دیگری را نقض کند و وارد حریم شخصی وی شود و علاوه بر ضرر و زیان مادی از اسرار وی نیز مطلع گردد. بنابراین، لزوماً اینگونه نیست که اگر جایی نقض حریم خصوصی مادی بود، نقض حریم خصوصی معنوی نباشد و ممکن است هر دو جنبه در

فهمیم، حیدری و آقاجانے (۶۲-۷۶)

اینجا جمع گردد و مهمترین حوزه‌هایی که در حریم خصوصی معنوی می تواند توأم با نقض حریم مادی نقض شود، حریم اسرار است. حتی اگر این اسرار شخصی از نظر عرفی عیب نباشد، ولی ممکن است شخص رضایت به فاش کردن آن نداشته باشد (انصاری، ۱۳۹۸: ۱۱). فرض کنیم در جایی اطلاعات شخصی سرقت شود، حال اگر این اطلاعات درباره ی مسائل صرفاً شخصی وی باشد که به حیثیت لطمه وارد کند در حوزه ی حریم خصوصی معنوی او قرار می‌گیرد، اما اگر چنانچه مربوط به تجارت یا تخصص خاصی باشد که فقط جنبه ی بهره‌برداری مالی داشته باشد، در حوزه ی حریم خصوصی مادی وی قرار می‌گیرد و اما ممکن است دارای هر دو جنبه ی توأم باشد، مثل جایی که یک عکاس، عکس‌های متنوع از خانم خود گرفته که برای عروسی‌هایی که به وی رجوع می‌کنند جهت نمونه و انتخاب مدل نشان می‌دهد و یکی از همکاری‌هایش برای گرفتن مدل‌های جدید کاری آنها را سرقت کند. درست است که موضوعات مالی جنبه ی مهم حریم خصوصی مادی است، اما حتی اگر هیچ خسارتی را هم متوجه صاحب حق حریم نکند باز هم نقض آن جایز نمی باشد و ورود به آن حوزه فقط با رضایت صاحب حق مجاز است. برای حریم مادی چند گروه می‌توان نام برد (انصاری، ۱۳۹۸: ۱۳) که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

۵-۱-۱: حریم خصوصی مکانی

حریم خصوصی مکانی عبارت است از حدود مشخص مکانی که هر فرد می‌تواند با مستند شرعی و قانونی، برای خودش تعریف کند و البته مصالح عمومی جامعه قطعاً باید در آن رعایت شود و با آن منافاتی نداشته باشد. اطلاق آیه ی ۱۲ شریفه ی سوره ی حجرات: «لا تجسسوا» در این مورد تقیید نشده است و این یک مسئله ی روشن است و در قانون نیز به چنین مواردی تصریح شده و نقض آن توسط مأمورین حکومتی با دستور قاضی بیان شده است. این مستند شرعی و قانونی در موارد مختلف متفاوت است و در اینجا این فرد است که باید میل و نظر خود را با آن انطباق دهد و بیشتر از آن تجاوز نکند. این مسأله منافاتی با اختیار فرد در تعیین آن ندارد و مراد از تعیین توسط خود شخص، تعیین تحت ضابطه و ملاک شرعی و قانونی است و به عبارتی فرد می‌تواند از آنچه حق دارد حریم خصوصی خود قرار دهد، بکاهد اما حق مزاد بر آن را ندارد. در حریم خصوصی مکانی، حریم مسکن بارزترین وجه حق حریم خصوصی است و در قوانین اکثر کشورهای خارجی به حریم مسکن به عنوان بارزترین مصداق حریم خصوصی پرداخته اند که فرد در آن کاملاً آزاد و به میل خود می‌تواند رفتار کند. مستند شرعی و قانونی می‌تواند اجاره، خرید، احیای موات، هبه و غیره باشد. حتی اگر شخصی به حریم ملک دیگری تجاوز کرده و آن را حریم مسکن خود قرار داد، مثلاً در آنجا ساکن شد و حریم زناشویی و حتی دیگر مصادیق زندگی خصوصی عرفی خودش قرار داد، صاحب ملک نمی‌تواند حریم مسکن وی را نقض کند و وی را بیرون کند. بند ۲ ماده ی ۱۸ اعلامیه ی اسلامی حقوق بشر در این ارتباط مقرر می‌دارد: «مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ی ساکنین آن به صورت غیرمشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد و ساکنینش را آواره نمود. این عبارت در هر حالی در این بند به خوبی تبیین می‌کند که حتی در چنین مواردی هیچ‌کس حق نقض حریم سکنا را ندارد، حتی مالک، مگر از راه جایز و به عبارتی با اعلان و تذکر و نهایتاً با اعمال زور؛ البته حق و حقوق مادی صاحب ملک مورد سکونت به هیچ عنوان نادیده انگاشته نمی‌شود و عدم جواز نقض حریم مسکن شخص غاصب یا زورگو، منافاتی با اقامه ی حقوق مادی مالک نخواهد داشت (راعی، ۱۳۹۱: ۵). ظاهراً این ماده متخذ از آیات ۲۷ و ۲۸ سوره ی مبارکه ی نور است. معنای این آیات چنین است که «ای اهل ایمان به هیچ خانه ای مگر خانه های خودتان وقتی با صاحبش انس ندارید، وارد نشوید و چون داخل شدید، نخست سلام کنید که این برای شما بسیار بهتر است تا باشد که متذکر شوید و اگر به خانه ی کسی راه نیافتید، باز وارد نشوید تا اجازه یافته، آنگاه درآیید و چون به خانه‌ای در آمدید و گفتند بازگردید، زود باز گردید...». در این آیات اولاً به «هیچ خانه‌ای» اشاره شده که دقیقاً همان معنایی است که بیان گردید و ثانیاً سلام کردن از جهت تذکر بر حفظ حریم مسکن تحت هر شرایطی تأکید دارد (انصاری، ۱۳۹۸: ۴۷).

۵-۱-۲: حریم خصوصی جسمانی

حریم جسمانی که به حفاظت از جسم افراد در مقابل آزمایش‌های ژنتیکی، دارویی، اعمال زیبایی، ورزشی و نظایر آن مربوط می‌شود، حقی مسلم برای هر شخص است. ورود به حریم جسمانی شخص، حتی برای مقاصدی که نفعی عمومی را در بردارد و هیچ ضرری را هم برای صاحب حق به دنبال ندارد فقط با اجازه ی شخص امکان دارد و هیچ کس حق ندارد به حریم جسمانی فرد تجاوز نماید. برای نمونه، در موارد بسیاری دیده می‌شود که دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، در برخی رشته‌ها، مثل تربیت بدنی، داروهای خاصی را برای تحقیق به عده ی مشخصی داده و اثرات آن را مورد آزمایش و نتیجه گیری قرار می‌دهند. آیا شرعاً و قانوناً جایز است این داروها را مخفیانه به افرادی که در دسترس آنها هستند برای مصرف دهند؟ مسلماً چنین نیست و رضایت از ایشان واجب است، البته در مواردی که در حریم خصوصی شخصی احتمال نوعی بیماری برود که برای همراهان او باشد جای بحث است که آیا نقض این حریم جایز است یا خیر؟ بی شک، به دلیل عقلی باید از ورود این افراد به محیط‌های عمومی جلوگیری کرد و حتی در صورت عدم معالجه ی وی اثرات بسیار بدی را بر روی سایرین داشته و خود شخص هم متمایل به انتقال این بیماری به سایرین باشد، می‌توان حریم خصوصی جسمانی وی را نقض و او را تحت معالجه یا نظارت خاص قرار داد. به عنوان نمونه، قانون قرنطینه که امروزه از آن به عنوان «مراقبت بهداشتی مرزی» یاد می‌شود، با استناد به قانون سلامت بین‌الملل، اجازه می‌دهد کشورها با ایجاد پایگاه‌های در این خصوص از ورود امراض خارج به داخل کشور جلوگیری نمایند (پورعبدالله و جلیل زاده، ۱۳۹۳: ۷). همچنین، حریم جسمانی شامل آزاد زیستن انسان نیز خواهد شد. روشن است که سلطنت آدمی بر خویشتن برتر از سلطنت او بر اموال می‌باشد. همانطور که پیامبر می‌فرماید: «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ»؛ یعنی «مردم بر مال و جان‌های خود تسلط دارند». تصرف در اموال بدون رضایت ناروا و حرام است، احضار، توقیف و حبس و غیره که تصرف در جسم و جان او محسوب می‌شود، به اولویت قطعی حرام و ناپسند خواهد بود؛ البته لازم به ذکر است که در بسیاری از این موارد، مثل تفتیش بدنی و حبس و غیره، اگرچه حریم خصوصی جسمانی فرد مورد تعرض قرار می‌گیرد. حریم خصوصی جسمانی افراد تحت هیچ شرایطی نباید نقض گردد؛ اما در برخی موارد لازم است که از فرد برای کشف جرم، آزمایشات مثل آزمایش خون و یا ژنتیک به عمل آید که این مورد قطعاً باید در قانون مشخص شود و چنین دستوراتی از جانب مقام قضایی صالح صورت می‌پذیرد. بنابراین، دلیل عقلی در جایی که منافع عمومی در خطر باشد و یا حق دیگری از بین برود، حکم می‌کند که حریم خصوصی به صورت محدود مورد واکاوی قرار بگیرد (همان: ۷).

www.nric.ir

۵-۱-۳: حریم خصوصی اموال

حریم اموال در فقه و حقوق اسلامی تنها به معنای مالکیت مادی محدود نمی‌شود، بلکه هر آنچه عرفاً دارای ارزش اقتصادی باشد در قلمرو این حریم قرار می‌گیرد. از این رو، تجاوز به اموال دیگران، اعم از تخریب، اتلاف، غصب، سرقت یا هرگونه تصرف غیرمجاز، نقض آشکار این حریم محسوب می‌شود و در منابع اسلامی با شدت مورد نهی قرار گرفته است. قرآن کریم با تأکید بر حرمت «أَكْلِ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْباطِلِ» (نساء: ۲۹) مرزهای روشنی برای حمایت از اموال ترسیم کرده و روایات نیز با بیان‌هایی همچون «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» اهمیت این حق را برجسته ساخته‌اند. گستره‌ی این حمایت به‌گونه‌ای است که حتی اموال غیرمسلمانان نیز تحت حمایت قرار می‌گیرد و فقه اسلامی در موارد متعدد، ضمانت‌های مالی دقیق و الزام‌آور برای جبران خسارت پیش‌بینی کرده است. این نگاه جامع سبب شده است که حقوق مالی نوین مانند حق اختراع، حق مؤلف، حق علامت تجاری و سایر حقوق مالکیت فکری نیز در چارچوب مفهوم «مال» قرار گیرند و مشمول حمایت‌های شرعی و قانونی باشند. بنابراین، حریم اموال در اسلام نه‌تنها شامل دارایی‌های مادی، بلکه شامل حقوق و منافع مالی نیز می‌شود و هرگونه تعرض به آن، چه در قالب تصرف فیزیکی و چه در قالب نقض حقوق اعتباری، ممنوع و مستوجب ضمان است (شهریاری، ۱۳۹۸: ۵۲).

۵-۲: حریم خصوصی معنوی

حریم خصوصی معنوی در اندیشه اسلامی بر پایه‌ی اصل بنیادین کرامت انسانی استوار است و آیات و روایات متعددی بر ضرورت پاسداشت آن تأکید دارند. قرآن کریم با نهی صریح از تجسس در آیه‌ی «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) مرزهای روشنی برای منع نفوذ به زندگی پنهان افراد ترسیم می‌کند و روایات نیز با بیان‌هایی همچون برتری حرمت مؤمن بر حرمت کعبه، جایگاه والای آبرو و حیثیت انسان را برجسته می‌سازند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۴۵). با وجود این پشتوانه‌ی غنی، تقسیم‌بندی‌های رایج از حریم خصوصی معنوی که معمولاً تنها دو حوزه‌ی «اطلاعات و اسرار» و «ارتباطات» را شامل می‌شود، نمی‌تواند تمامی ابعاد کرامت انسانی را پوشش دهد. در جامعه‌ی معاصر، بخش مهمی از هویت معنوی افراد در حیثیت اجتماعی آنان تجلی می‌یابد؛ یعنی همان تصویری که فرد در نگاه جامعه دارد و بر پایه‌ی اعتبار، آبرو، خوش‌نامی و جایگاه اجتماعی او شکل می‌گیرد. این بُعد از شخصیت انسان، به‌ویژه در عصر رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و گردش سریع اطلاعات، بیش از گذشته در معرض تهدید قرار گرفته است. انتشار شایعات، تحقیر عمومی، برچسب‌زنی، تخریب شخصیت و افشای مطالب خلاف واقع، نمونه‌هایی از رفتارهایی هستند که می‌توانند به‌طور جدی حیثیت اجتماعی فرد را مخدوش کنند و در نتیجه، نقض آشکار حریم خصوصی معنوی محسوب می‌شوند. از این رو، برای دستیابی به تصویری جامع‌تر و کارآمدتر از حریم خصوصی معنوی، می‌توان حوزه‌ی سوم را با عنوان «حریم خصوصی حیثیت اجتماعی» به این قلمرو افزود. این حوزه ناظر بر صیانت از آبرو، اعتبار و شأن اجتماعی افراد است و بر این اصل تأکید دارد که هیچ‌کس حق ندارد بدون دلیل مشروع، تصویر اجتماعی فرد را تخریب کند یا او را در معرض قضاوت‌های نادرست قرار دهد. چنین تکمیلی نه‌تنها با واقعیت‌های اجتماعی امروز سازگار است، بلکه با مبانی اخلاقی و دینی اسلام نیز هماهنگی کامل دارد؛ زیرا در منابع اسلامی، حفظ آبرو و حیثیت مؤمن از مهم‌ترین واجبات اخلاقی و اجتماعی شمرده شده است. در نتیجه، حریم خصوصی معنوی را می‌توان شامل سه حوزه‌ی «اطلاعات و اسرار»، «ارتباطات» و «حیثیت اجتماعی» دانست؛ سه حوزه‌ای که در کنار هم می‌توانند تصویری کامل‌تر از حقوق معنوی انسان ارائه دهند و زمینه‌ی تدوین قوانین و سیاست‌های حمایتی دقیق‌تر را فراهم سازند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵: ۳۸۱).

۶: پویایی‌های فرهنگی مؤثر بر حریم خصوصی

به نظر می‌رسد مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی در شبکه‌ی مفاهیم و ساختار معنایی مرتبط با حریم خصوصی اثرگذار هستند. حال در نظریه‌ی فضاهای بی‌شکل به انواع فضاهای شخصی، عمومی، صمیمی و اجتماعی در حالت‌های نزدیک و دور اشاره کرده است. آگاهی نسبت به چگونه رفتار کردن و رعایت فاصله در این فضاها اهمیت دارد. افراد از طریق ایجاد فاصله با دیگری، فضایی خصوصی را خلق می‌نمایند که گویای نوع رابطه بین افراد است که با توجه به بستر فرهنگی فاصله‌ها معانی متفاوتی را به خود می‌گیرند. آگاهی از زمینه‌ی فرهنگی و رعایت آن با توجه به تغییرات نسبی، در هنگام ارتباط با دیگران بسیار قابل اهمیت است. حال با وجود این نسبیت، چالش اصلی میان افراد زمانی است که هر کدام از آنها با فرهنگ‌های مختلف، برداشت‌های اختصاصی متفاوتی از چگونگی و میزان رعایت فاصله و حریم خصوصی خود و اشتراک آن در روابط شخصیشان دارند. از طرفی دیگر، آنچه بر دشواری تعریف می‌افزاید تفاوت فرهنگ‌ها در کشورهای مختلف و ادیان و مکاتب مختلف و حتی در فرهنگی واحد و اختلاف دیدگاه‌های فردی است. به عنوان مثال، حریم خصوصی در دین هندو چهار طبقه‌ی اجتماعی مشهور آنها به‌طور کاملاً مشهود بین افراد متفاوت است. در برخی از نظام‌های نو اجتماعی امروز نیز بین حریم خصوصی مقامات دولتی و افراد معمولی جامعه تفاوت وجود دارد و البته این تمایز با دین هندو و مشابه این دین کاملاً عکس هم است (حسینی، ۱۳۸۶: ۹). فرهنگ به مثابه‌ی ارزش‌ها، باورها، سنت‌ها و رسوم است که در تعیین هویت گروهی از افراد نقش دارد (جی هالی و همکاران، ۲۰۲۲: ۶۵). فرهنگ جزو جدایی‌ناپذیر خانواده است و این جا است که محل زندگی، قوم و قبیله، آداب مختلف و انتظارات متنوع در عرصه‌های مختلف زندگی و مهمتر از همه چگونگی روابط اعضای خانواده دخیل می‌شود. همین موضوع در بستر روابط خانواده نیز مورد اهتمام است. در روابط خانواده، حریم خصوصی به شکل خاصی نمایان می‌شود. احترام به حریم خصوصی اعضای خانواده (شامل والدین و فرزندان) از اصول اولیه‌ی یک زندگی خانوادگی سالم است (برومت و استبر، ۲۰۱۵:

۲۵. در بستر خانواده، همسران در عین زندگی مشترک، از حق فضای خصوصی و تفرد نیز بهره‌مند هستند. آنها می‌توانند به میل خود این فضا را با یکدیگر به اشتراک گذاشته یا اینکه محرمانگی آن را حفظ کنند. حال، چالش اصلی زمانی آغاز می‌شود که مرز اشتراک گذاری یا حفظ حریم‌ها برای آنها چندان مشخص نبوده و در نتیجه، کشمکش‌های متعددی در رابطه‌ی بین آن دو ایجاد می‌شود (میرخشتی، ۱۳۹۲: ۱۶۵).

نکته‌ی حائز اهمیت آن است که روابط افراد به ویژه در بافت زوجی بسیار متأثر از هنجارهای اجتماعی پیرامون یا به عبارتی فرهنگ است (برومت و استبر، ۲۰۱۵: ۲۵). امر به معروف و نهی از منکر نیز که یکی از اصول کلیدی در اسلام است به مفهوم تشویق به رفتارهای نیک و پیشگیری از رفتارهای ناپسند اشاره دارد. این اصل در قرآن و احادیث به عنوان وظیفه‌ای اجتماعی برای مسلمانان مطرح شده و هدف آن ایجاد جامعه‌ای سالم و اخلاق‌مدار است. از طرفی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و ضوابط خاص خود را دارد و زمانی شخص در این خصوص وظیفه پیدا می‌کند که تمام شرایط و لوازم برای انجام این کار فراهم باشد و در صورت عدم مهیا بودن این شرایط نه تنها وجوب ندارد، بلکه احتیاط بر ترک آن است. در برخی موارد، امر به معروف و نهی از منکر ممکن است با حریم خصوصی افراد تداخل کند. به عنوان مثال، اگر کسی در زندگی خصوصی خود به رفتارهایی بپردازد که جامعه آن‌ها را ناپسند می‌داند، آیا دیگران مجاز به مداخله در آن زندگی هستند یا خیر؟ این سوال، چالش‌های اخلاقی و اجتماعی را به وجود می‌آورد. از نظر اسلام احترام به حریم خصوصی افراد باید همیشه مدنظر قرار گیرد. نباید به بهانه‌ی امر به معروف، حرمت و حریم زندگی شخصی افراد نادیده گرفته شود. مداخله در حریم خصوصی باید به صورت غیرمستقیم و در شرایط خاصی صورت گیرد، مانند زمانی که رفتار فرد، به وضوح به ضرر خود فرد یا جامعه برمی‌گردد. در نهایت، رابطه‌ی بین حریم خصوصی و امر به معروف و نهی از منکر به نحوی است که باید بین حقوق فردی و مسئولیت‌های اجتماعی تعادل برقرار کرد. این تعادل به ظهور جامعه‌ای متوازن و سالم کمک می‌کند، جایی که افراد هم می‌توانند در امنیت حریم خصوصی خود زندگی کنند و هم جامعه به سوی نیکی و اخلاق پیش برود (جوان آراسته، ۱۴۰۰: ۱۷۳). از منظر ضوابط شرعی، مداخلات امر به معروف و نهی از منکر باید با رعایت اصل «الضرورات تبیح المحظورات» محدود به موارد ضروری باشد و تحت قاعده‌ی «لاضرر» از هرگونه اقدام نامتناسب در جهت نقض حریم خصوصی دیگری پرهیز شود. همچنین، تمایز میان منکر عمومی که جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و رفتار شخصی که در حریم خصوصی افراد قرار دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این تفکیک مبتنی بر فهم دقیق از مفاهیم فقهی مانند حرمت تجسس (آیه ۱۲ سوره حجرات) و وجوب حفظ آبروی مؤمن است. در بعد عملی، راهکارهایی مانند طراحی سامانه‌های گزارش‌دهی با مکانیزم‌های حفظ حریم کاربران، تشکیل کمیته‌های تخصصی فقهی حقوقی برای ارزیابی موارد مرزی، و تدوین منشور اخلاقی مبتنی بر منابع دینی پیشنهاد می‌شود. چنین منشوری باید همسو با قاعده نفی سبیل، از هرگونه سوءاستفاده از اطلاعات شخصی جلوگیری کند و توازن عقلانی بین امر به معروف و حقوق شهروندی برقرار سازد. این رویکرد جامع، همزمان به ضرورت‌های اخلاقی جامعه و حقوق بنیادین افراد احترام می‌گذارد.

۷: چالش‌های معاصر حریم خصوصی در عصر دیجیتال

با گسترش فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، مفهوم حریم خصوصی دچار تحولات بنیادین شده است. در عصر حاضر، داده‌های شخصی به کالایی ارزشمند تبدیل شده‌اند که دولت‌ها و شرکت‌های چندملیتی برای اهداف تجاری، امنیتی و حتی سیاسی از آن بهره‌برداری می‌کنند. این تحولات، چالش‌های نوین حریم خصوصی در فضای مجازی را در تقابل میان حریم خصوصی فردی و نظارت اجتماعی مطرح کرده است. برخی از این چالش‌ها به شرح زیر است:

۷-۱: جمع‌آوری بی‌رویه داده‌ها

جمع‌آوری بی‌رویه داده‌ها در عصر دیجیتال به یکی از مهم‌ترین چالش‌های حریم خصوصی تبدیل شده است؛ زیرا شرکت‌های فناوری با بهره‌گیری از الگوریتم‌های هوش مصنوعی و ردیاب‌های پنهان در نرم‌افزارها، حجم گسترده‌ای از اطلاعات کاربران را بدون رضایت آگاهانه‌ی آنان گردآوری می‌کنند. این فرایند که اغلب با هدف تحلیل رفتار، تبلیغات هدفمند یا فروش داده‌ها انجام می‌شود، با اصول بنیادین اخلاقی و دینی در تعارض

قرار می‌گیرد. در اندیشه‌ی اسلامی، اصل «لاضرر» هرگونه رفتاری را که موجب زیان مادی یا معنوی به افراد شود، ممنوع می‌داند و این قاعده می‌تواند مبنایی برای محدودسازی جمع‌آوری غیرضروری داده‌ها باشد (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۱۸۵). افزون بر این، «حرمت تجسس» که در آیه‌ی «وَلَا تَجَسَّسُوا» به‌صراحت بیان شده است (حجرات: ۱۲)، نشان می‌دهد که نفوذ به حریم اطلاعاتی افراد از منظر شرعی ناپسند و ممنوع است. همچنین، روایات متعددی بر ضرورت حفظ اسرار و اطلاعات خصوصی تأکید دارند؛ از جمله حدیث پیامبر اکرم (ص) که می‌فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرًّا فَهُوَ كَالسَّاعِي فِي خَيْرٍ»، که نشان‌دهنده‌ی ارزش اخلاقی و دینی صیانت از اطلاعات شخصی است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۵). با توجه به این مبانی، جمع‌آوری گسترده‌ی داده‌ها بدون رضایت آگاهانه‌ی کاربران، نه‌تنها تهدیدی برای آزادی و امنیت فردی است، بلکه از منظر فقه اسلامی نیز نوعی تجاوز به حریم خصوصی محسوب می‌شود. بنابراین، ضرورت دارد که نظام‌های حقوقی و سیاست‌گذاری دیجیتال، با الهام از اصول اسلامی و قواعد اخلاقی، چارچوب‌هایی سخت‌گیرانه برای محدودسازی و شفاف‌سازی فرایندهای جمع‌آوری داده‌ها تدوین کنند تا از سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری شود و کرامت انسانی در فضای مجازی حفظ گردد.

۷-۲: نظارت دولتی و امنیت ملی

نظارت دولتی با توجیه حفظ امنیت ملی یکی از چالش‌های مهم حریم خصوصی در عصر دیجیتال است؛ زیرا بسیاری از دولت‌ها با استناد به ضرورت مقابله با تروریسم، جرائم سازمان‌یافته یا تهدیدات سایبری، اقدام به پایش گسترده‌ی ارتباطات، داده‌های ترافیکی و فعالیت‌های آنلاین شهروندان می‌کنند. این نوع نظارت که گاه به شکل جمع‌آوری کلان‌داده، شنود الکترونیکی یا ردیابی رفتاری انجام می‌شود، اگر بدون چارچوب قانونی شفاف و نظارت مستقل صورت گیرد، به تدریج به نقض سیستماتیک حریم خصوصی و محدودسازی آزادی‌های فردی منجر خواهد شد. از منظر اسلامی، هرچند امنیت عمومی و حفظ جان مردم از ارزش‌های بنیادین به شمار می‌رود، اما این ارزش نمی‌تواند مجوزی برای نقض بی‌ضابطه‌ی حریم افراد باشد. آیه‌ی «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) به‌صراحت هرگونه تجسس و نفوذ به زندگی خصوصی را ممنوع می‌داند و نشان می‌دهد که اصل بر منع نظارت است، مگر در موارد استثنایی. فقه شیعه نیز با استناد به قاعده‌ی «لزوم دفع افسد به فاسد» تنها در شرایطی نظارت را مجاز می‌شمارد که خطر بزرگ‌تری جامعه را تهدید کند و هیچ راه‌حل کم‌ضررتری وجود نداشته باشد؛ (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۲۱۰). افزون بر این، اصل تناسب ایجاب می‌کند که دامنه‌ی نظارت محدود، هدفمند و موقت باشد و از تبدیل شدن آن به یک سازوکار دائمی کنترل اجتماعی جلوگیری شود (سبحانی، ۱۴۲۱ق: ۱۷۵). بر این اساس، نظارت دولتی در فضای دیجیتال تنها زمانی مشروعیت می‌یابد که ضرورت آن اثبات شود، کمترین میزان مداخله را داشته باشد و کرامت و حریم خصوصی شهروندان به‌عنوان یک حق بنیادین حفظ گردد.

۷-۳: حریم خصوصی در روابط مجازی

اشتراک‌گذاری غیراخلاقی محتوای شخصی، مانند انتشار تصاویر خصوصی بدون رضایت فرد، از مصادیق روشن اشاعه‌ی فحشا است که قرآن کریم در آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی نور آن را به‌شدت نکوهش کرده و وعده‌ی عذاب برای عاملان آن داده است. این رفتار علاوه بر نقض حریم خصوصی، به تخریب شخصیت و هتک حرمت افراد منجر می‌شود و از منظر فقه اسلامی عملی حرام و مستوجب مجازات است. در مواجهه با این چالش، اسلام مجموعه‌ای از راهکارهای جامع ارائه می‌دهد. نخست، تدوین قوانین شریعت‌محور است که بر اساس اصولی مانند حرمت افشای اسرار و ممنوعیت قذف، می‌تواند پشتوانه‌ی حقوقی محکمی برای مقابله با سوءاستفاده از داده‌های شخصی ایجاد کند؛ چنان‌که فقها تأکید کرده‌اند که هرگونه نسبت ناروا مشمول احکام قذف است (محقق داماد، ۱۳۹۲: ۲۴۳). ایجاد نهادهای ناظر مستقل برای کنترل فعالیت شرکت‌های فناوری نیز بخشی از این راهکار است. دوم، ترویج اخلاق دیجیتال از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی است؛ آموزش‌هایی که با تأکید بر روایات اخلاقی، مانند سخن امام صادق (ع) درباره‌ی ضرورت رعایت حقوق دیگران و نیک‌همسایگی، فرهنگ احترام به حریم مجازی را تقویت می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۵۸). سوم، ایجاد تعادل میان امر به معروف و حفظ حریم خصوصی است؛ به این معنا که تذکر اخلاقی باید از مسیرهای غیرتحکمی، غیرتهاجمی و مبتنی بر تولید محتوای سازنده انجام شود تا هم ارزش‌های دینی حفظ شود و هم حریم افراد نقض نگردد. در نهایت، بهره‌گیری از فقه پویا امکان

فهم، حیدری و آقاجانے (۶۲ - ۷۶)

ارائه‌ی پاسخ‌های نوین به چالش‌هایی مانند کلونینگ داده‌ها، سوءاستفاده از هوش مصنوعی یا انتشار غیرمجاز اطلاعات را فراهم می‌کند. این مجموعه نشان می‌دهد که اسلام با تکیه بر اصول ثابت و روش‌های انعطاف‌پذیر، ظرفیت ارائه‌ی الگویی کارآمد برای صیانت از کرامت انسانی در فضای دیجیتال را دارد.

نتیجه گیری

حریم خصوصی در اسلام، با تکیه بر مبانی فلسفی مانند کرامت انسانی و حرمت آبرو، به‌صورت جامع و پویا مورد حمایت قرار گرفته است. اگرچه اصطلاح مدرن «حریم خصوصی» در متون دینی نیامده، اما مفاهیم مرتبطی مانند منع تجسس، لزوم رازداری و احترام به خلوت فردی، نشان‌دهنده‌ی هماهنگی اسلام با اصول حقوقی معاصر است. قلمروهای حریم خصوصی در اسلام، از حریم جسمانی و مالی تا حریم اطلاعات و ارتباطات، گسترده بوده و با استناد به آیات و روایات، ضمانت‌های اجرایی برای نقض آن پیش‌بینی شده است. در شرع مقدس اسلام نیز از حریم خصوصی ذکری به میان نیامده و تنها به حمایت‌های موردی در این زمینه اشاره شده است، اما این ظرفیت وجود دارد که از قواعد و آیات و روایاتی که در این زمینه آمده، قوانین جامعی را در حمایت از حریم خصوصی (در تمام قلمروهای آن) ایجاد گردد. همچنین، از ویژگی‌های منحصر به فرد اسلام این است که عقل‌گرا می‌باشد و بسیاری از موارد که در شرع بیان نشده است، با وجود حجیت داشتن عقل قابل استنباط و وضع است. در عصر حاضر، با ظهور چالش‌های نوین مانند نقض حریم خصوصی در فضای مجازی، بازخوانی مبانی اسلامی می‌تواند راهکارهای مناسبی برای حفظ تعادل میان حریم فردی و مصالح اجتماعی ارائه دهد. اسلام با رویکردی تحویل‌گرایانه، از محتوای حریم خصوصی دفاع کرده و آن را در قالب حقوقی مانند مالکیت، مصونیت از تجسس، و حرمت حیثیت انسانی تبیین نموده است. بنابراین، تلفیق این مبانی با نیازهای جامعه معاصر می‌تواند الگویی کارآمد برای سیاست‌گذاری در حوزه حریم خصوصی باشد. با توجه به پویایی فقه اسلامی، پیشنهاد می‌شود قوانین مدون و به‌روزی در زمینه‌ی حریم خصوصی و همچنین نهادهای ناظر مستقل، متناسب با چالش‌های عصر دیجیتال (مانند حفاظت از داده‌های شخصی، حریم مجازی، و نظارت دولتی) تدوین شود. اخلاق دیجیتال بر اساس آموزه‌های اسلامی، از طریق نظام‌های آموزشی و رسانه‌ها، به‌ویژه در زمینه‌ی رعایت حریم دیگران در فضای مجازی ترویج داده شود. علاوه بر این، مطالعات تطبیقی بین فقه اسلامی و حقوق بشر معاصر در حوزه‌ی حریم خصوصی با توجه به پویایی‌های عصر حاضر و با هدف ارائه‌ی الگوهای بومی و کارآمد انجام شود. در سطح قانون‌گذاری، ضروری است قانون جامع حفاظت از داده‌های شخصی تصویب شود که در آن به الزام کسب رضایت آگاهانه کاربران، تعریف دقیق مصادیق نقض حریم خصوصی و تعیین مجازات‌های متناسب با جرائم سایبری توجه ویژه‌ای شده باشد. این قانون می‌تواند چارچوب حقوقی مناسبی برای حمایت از شهروندان در فضای مجازی فراهم آورد. در سطح سیاست‌گذاری دیجیتال، پیشنهاد می‌شود ساختار نوینی با عنوان حاکمیت داده‌های اسلامی ایجاد گردد. این ساختار می‌تواند شامل تشکیل شورای عالی فضای مجازی با حضور فقها و متخصصان حوزه‌ی فناوری اطلاعات، طراحی نظام رتبه‌بندی اخلاقی برای پلتفرم‌های دیجیتال و تأسیس مرکز ملی رسیدگی به تخلفات حریم خصوصی باشد. چنین ساختاری قادر خواهد بود همزمان به ارزش‌های اسلامی و نیازهای فنی عصر دیجیتال پاسخ گوید. در حوزه‌ی آموزش عمومی، اجرای برنامه‌ای با عنوان سواد حریم خصوصی ضروری به نظر می‌رسد. این برنامه می‌تواند شامل گنجاندن آموزش‌های مرتبط در برنامه‌ی درسی مدارس از پایه‌ی چهارم ابتدایی، برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های دیجیتال برای خانواده‌ها و تولید محتوای آموزشی جذاب در قالب فیلم و اینفوگرافیک باشد. چنین اقداماتی موجب ارتقای فرهنگ عمومی در زمینه‌ی حفظ حریم خصوصی خواهد شد.

منابع

- ❖ قرآن کریم
- ❖ نهج البلاغه
۱. احمدی، محمدصادق (۱۳۹۵)، «تبیین کرامت ذاتی انسان در رویکرد علامه جعفری»، حقوق اساسی، دوره بیست و پنجم، شماره سیزدهم، ۱-۳۳.
 ۲. انصاری، باقر (۱۳۹۸)، «حقوق حریم خصوصی»، جلد ۱، چاپ اول، تهران: سمت.
 ۳. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۳۸۲)، «المکاسب»، جلد ۱، چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
 ۴. پورعبدالله، کبری؛ جیلزاده، سمانه (۱۳۹۳)، «حل تزاخم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده»، مطالعات راهبردی زنان، دوره شصت و ششم، شماره هفدهم، ۷-۴۵.
 ۵. جاوری، حسین (۱۳۹۸)، «مبانی قرآنی حریم خصوصی مکانی»، دو فصلنامه علمی - پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، دوره دهم، شماره دهم، ۱۰۹-۱۳۷.
 ۶. جوان آراسته، حسین (۱۴۰۰)، «تأملی در حریم خصوصی و محدود ساختن امر به معروف و نهی از منکر در رفتارهای علنی از منظر فقه و قانون»، حکومت اسلامی، دوره بیست و ششم، شماره چهارم، ۱۷۳-۱۹۴.
 ۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۵)، «ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج دانش، ص ۳۸۱.
 ۸. حسینی، سیداکبر (۱۳۸۶)، «حقیقت غایی در آیین هندو»، معرفت، دوره ششم، شماره ۹، ۵۲-۹.
 ۹. راعی، مسعود (۱۳۹۱)، «تبیین مفهوم و قلمرو حریم خصوصی افراد»، اولین کنفرانس بین المللی شهروند مسئول، اصفهان.
 ۱۰. ساریخانی، عادل؛ موسوی، محمد (۱۳۹۰)، «قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، دوره شانزدهم، شماره اول، ۸۱-۱۰۴.
 ۱۱. سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ق)، «محاضرات فی أصول الفقه»، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ج ۴، ص ۱۷۵.
 ۱۲. شهریار، حمید (۱۳۹۸)، «نقد و بررسی چهار تعریف حریم خصوصی از منظر فلسفه اخلاق در غرب»، پژوهش های فلسفی - کلامی، دوره بیست و یکم، شماره چهارم، ۱۰۳-۱۲۸.
 ۱۳. فروغی، فضل الله؛ برجی، محمدناصر؛ مصلحی، جواد (۱۳۹۳)، «مبانی ممنوعیت نقض حریم خصوصی در حقوق ایران و آمریکا»، مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره سوم، ۱۳۷-۱۷۲.
 ۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ج ۲، ص ۳۵۸.
 ۱۵. مجاهد، افشین (۱۴۰۰)، «رویکردی تطبیقی بر حریم خصوصی»، پژوهش های حقوق تطبیقی عدل و انصاف، دوره سیزدهم، شماره چهارم، ۷-۲۷.
 ۱۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، «اخلاق در قرآن»، جلد ۳، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ص ۲۴۵.
 ۱۷. محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۲)، «قواعد فقه»، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۱۸۵.
 ۱۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، «چهل حدیث»، جلد ۱، چاپ سی ام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 ۱۹. موسی زاده، ابراهیم؛ مصطفی زاده، فهمیم (۱۳۹۱)، «نگاهی به مفهوم و مبانی حق بر حریم خصوصی در نظام حقوقی عرفی»، دانش حقوق عمومی، دوره دوم، شماره اول، ۴۵-۶۷.

فهم، حیدری و آقاجانی (۶۲-۷۶)

۲۰. مهریزی، مهدی (۱۳۷۸)، «دولت دینی و حریم خصوصی (بازخوانی فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره))»، حکومت اسلامی، دوره دوازدهم، شماره اول.
۲۱. واعظی، سیدمجتبی؛ علیپور، سیدعلی (۱۳۸۹)، «بررسی موازین حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق ایران»، حقوق خصوصی، دوره هفدهم، شماره هفتم، ۱۳۳-۱۶۳.
22. Bates, A. P. (1964). *Privacy—A useful concept?* Social Forces, 42(4), 429–434.
23. Brummett, E. A., & Steuber, K. R. (2015). *To reveal or conceal? Privacy management processes among interracial romantic partners*. Western Journal of Communication, 79(1),
24. Hull, C. H. (1914). *The service of statistics to history*. Quarterly Publications of the American Statistical Association, 14(105), 30–39.
25. Jhally, S. (2022). *The political economy of culture*. In I. Angus & S. Jhally (Eds.), Cultural Politics in Contemporary America (pp. 65–81). Routledge.
26. Westin, A. F. (1967). *Privacy and Freedom*. Atheneum